

نقش زنان در ترویج فرهنگ اسلامی و تقویت هویت دینی و ملی فرزندان

برزو مولایی پاردی^۱

قدرت الله سعیدی اصل^۲

رضوان سعیدی اصل^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

چکیده

زنان به عنوان بخش مهمی از پیکر اجتماع، در جامعه حامل بار سنگین مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی هستند که دوشادوش مردان می‌توانند در صحنه‌های مختلف اجتماعی حضور می‌یابند. نقش زنان و ابعاد سازنده آنان در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی چشمگیر است. در این مقاله برآنیم که نقش زنان را در ترویج فرهنگ اسلامی و تقویت هویت دینی و ملی فرزندان بررسی کنیم. به درستی که جوامع از طریق بانوان فرهیخته، با سواد، دانشمند، محقق و متعهد به اصول اسلامی در جهت تکامل ملت‌ها حرکت میکنند زیرا زنان متدین و متعهد که پای بند اصول اخلاقی و دینی هستند فرزندان لایق و شایسته تحویل جوامع میدهند. عوامل موفقیت در ترویج فرهنگ اسلامی و تقویت هویت دینی و ملی، توجه و کاربرست ارزشهای مورد نظر شامل اطاعت از ولایت، عدالت خواهی، مشارکت بدور از تبعیض، ادامه ی راه ائمه (ع)، دفاع از اسلام و انقلاب، علم آموزی و روشنی هدف، تعهد و ایمان، شهامت، اشتیاق به برنامه‌ریزی، انعطاف داشتن و... می‌باشد. همانطور که زنان در تربیت فرزندان نقش محوری دارند، به لحاظ ساختار عاطفی آنها، توان نهاده سازای ترویج فرهنگ را نیز دارند اما برای انجام این رسالت، باید بستر و زمینه ی مناسب فراهم شود و امکانات موجود جهت بروز و ظهور استعدادها و توانایی های زنان در جامعه فراهم و مهیا گردد.

واژگان کلیدی

زنان، فرهنگ اسلامی، هویت دینی، ملی، فرهنگی، تاریخی، تربیتی، اسلام، قرآن، حجاب و عفاف، الگوپذیری.

۱- دکتری تعلیم و تربیت اسلامی-فرهنگی و مدرس دانشگاه.

۲-فرهنگی -کارشناسی ارشد ادبیات عرب.

۳- نویسنده مسئول -کارشناسی علوم تربیتی.

مقدمه

زن بر اساس مقام خلافت الهی و امانت داری اش، در طول تاریخ همواره در زمینه های مختلف نقش آفرین بوده است، اما حضور زنان در نقش های سیاسی و اجتماعی به شکل گسترده مربوط به چند دهه ی اخیر است. زنان ایرانی در مسیر تکمیلی و تکوینی انقلاب اسلامی توانستند جایگاه اخص و ممتاز خود را بیابند و با پیروی از تعالیم اسلام ناب محمدی (ص) و الگوپذیری از اسوه های متعالی و راستین الهی با سلاح حجاب و عفت در مقابل تهاجم سیاسی، فکری و فرهنگی غرب از آرمانهای والایشان دفاع کنند. یکی از دست آوردهای مهم انقلاب اسلامی تبدیل فرهنگ سیاسی محدود در جامعه ی زنان، به فرهنگ مشارکتی است. در این فرهنگ، زن به عنوان عضوی فعال در جامعه محسوب می شود و نسبت به نظام، انقلاب، مکتب و مردم احساس مسئولیت می کند. او در زمینه های سیاسی و اجتماعی سعی می کند تا موقعیت خویش را در جامعه بشناسد و در سایه ی پذیرش حاکمیت خداوند، به حکومت صالح تن در دهد. در این راستا، زن مسلمان و انقلابی، باید با جریانهای مخالف دین، حجاب، عفاف، ذلت پذیر و فسادآور جامعه، مبارزه کند و با رسالت الهی و وظیفه ی تربیتی خود مفاهیم؛ ایثار، شهادت، رواج و رعایت حجاب و عفاف، مبارزه با ظلم، صبر و مقاومت و... را در روحیه و روان فرزندانش پیروانند، زیرا تربیت دینی از سیاست جدا نیست. بدین ترتیب، زن با پرورش انسانهای آگاه، مومن و مسئول در تکامل حیات اجتماعی بشر، مشارکتی فعال دارد. اسلام به عنوان دینی جاودانه به تمام ابعاد وجودی بشر نگاهی جامع و کامل دارد و دیدگاهی ویژه و روش بی نظیری در مورد نقش سازنده ی زن در زندگی و تعلیم و تربیت فرزندان ارائه می دهد و به ستایش زنان متعهد و مومن در قرآن و روایات دینی می پردازد.

۱- نقش زنان در اجتماع و جامعه

تاریخ بر این حقیقت گواه است که سلامت، سعادت، پویایی، مصونیت فرهنگی و نیک فرجامی هر جامعه عمدتاً در گرو وجود پربرکت زنان و مردان بصیر، دلسوز و متعهد بوده است. به بیان دیگر رشد و شکوفایی و شکل گیری شخصیت کودکان و نوجوانان در دامن پرمهر مادر صورت می پذیرد. زنان پاکدامن و مادران مومن، این باغبانان فداکار شکوفه های زندگی و ترسیمگران طریق سعادت، بیشترین مسئولیت را در تربیت اخلاقی، فکری و اجتماعی فرزندان عهده دار هستند. زنان با برخورداری از نگرش مثبت و هدفمند، نشاط و سرزندگی، آگاهی و معرفت، ایثار و از خود گذشتگی، اساسی ترین نقش را در تأمین سلامت جسمانی، هوشمندی و بهداشت روانی نوباوگان و نوجوانان جامعه دارند. برگزیدگان عالم، انسان های خلاق و نوآور، عموماً سال های پربرکت زندگی خویش را در کنار زنان پاکدامن و مادران توانا، عاقل، بصیر و متعهد سپری کرده اند. جامعه ی اسلامی ما والاترین و کاملترین الگوهای کمال و تعالی را دارد، چرا که خانواده ی علی (ع) و فاطمه ی زهرا (س) در همواره ی تاریخ، روشن ترین کانون زندگی و رفیع ترین سکوی کمال و همانند سازی برای تمامی زنان، مردان، پدران و مادران اهل معرفت و جویندگان حقیقت به شمار می آید.^(۲) این نقش و تأثیر گذاری در تمام زوایای زندگی حضرت زهرا (س) در قالب جهاد با نفس، جهاد در میدان مبارزه با بی دینان، جهاد فرهنگی، سیاسی و... به شکل درخشانی نمود دارد چرا که ایشان در دامن مادری مجاهد پرورش یافته

بود مادری که سه سال مسلمانان محصور در شعب ابی طالب را اداره کرد و همه ی اموال خود را در این راه خرج نمود بی حرمت‌ها به او وارد شد و شهادتها در این راه دید و هر قدر این اتفاقات بیشتر می شد صبر و استقامت او افزون تر می گشت.^(۳) زنان نیمی از انسان‌های موجود در این جهان را تشکیل می دهند که نقش بسیار مهمی در تحولات اجتماعی دارند و این حساسیت ناشی از عمق تاثیرگذاری زنان در همه ی ابعاد و عرصه‌های زندگی است. زن در مقام همسر و مادر، یکی از پایه‌های اصلی خانواده است و به عنوان اولین اجتماع اصیل بشری و رکن اصلی جامعه‌ی انسانی محسوب می گردد. بنابراین، سعادت و سلامت هر جامعه در ماهیت خانواده ها ایجاد می شود و انتقال ارزش ها و هنجارها و الگوهای رایج فرهنگی و نهادینه سازی برعهده خانواده‌هاست و زنان نقش اصلی را ایفا می کنند، لذا جامعه سعادت‌مند و سالم در گرو زنانی است که از آگاهی، بینش و تفکر صحیحی برخوردار باشند. آگاهی از ارزشهای ملی و دینی تجلی یافته در سیره ی عملی شهدا و حفظ و تقویت این ارزشها یک وظیفه ی دینی، اخلاقی و اجتماعی است و نقش زنان در توسعه این ارزشها، اساسی و مهم می باشد.

۲- زن و مقام مادری

پدر و مادر در تفکر اسلامی مقامی والادارند و هر دو باید مورد تکریم و بزرگداشت قرار گیرند اما نسبت به مادر تأکید بیشتری شده و مادر از منزلت بالاتری برخوردار گردیده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «الجنة تحت أقدام الامهات؛ بهشت زیر پای مادران است»^(۴) این سخن پیامبر (ص) روشنگر اوج عظمت مادری و زن بودن است و بالاترین و شکوهمندترین و استوارترین منزلت الهی زن را تبیین می کند. مسئله ی مهمی که قرآن به زنان سفارش می کند مسئولیت مادر بودن آنهاست. اسلام شخصیت و آینده ی کودک را مرهون تربیت و پرورش و مراقبت پدر و مادر، به خصوص مادر، می داند زیرا که این مادر است که با حرکات، سکنت، افعال و گفتار خود، درس محبت، ایثار، تقوی، پرهیزگاری و اخلاق را به فرزندانش می آموزد و در روح لطیف آنان تأثیر می گذارد زیرا که فرزندان در دوران کودکی بیشترین اوقات خود را با مادری گذرانند. در اسلام، مادر یک فرشته ی مهربان است که با نگاه محبت آمیز و نوازش‌های خالصانه ی خود می تواند یک انسان خوشبخت، نیکوکار و با روح بلند را تحویل جامعه دهد. همچنین سال‌ها و ماه‌های اولیه ی دوران زندگی انسان که بسیار حساس و مهم است در دامن مادر رشد و پرورش پیدا می کند. اسلام در مورد زمان بارداری، دو سال اول زندگی کودک و همچنین در طی مراحل دوران کودکی و نوجوانی فرزندان، توصیه ها و سفارشهای متفاوت و مکرری کرده است که بیشترین مسئولیت آن به دوش مادر است.

۳- شناخت جایگاه زن در اسلام:

یکی از عوامل مهم احیای شخصیت زن، بیان جایگاه زن در اسلام است، در جامعه ی اسلامی که قرآن و معصومان (ع) از قداست خاصی برخوردارند، بیان جایگاه و ارزش واقعی و شخصیت انسانی زن با بهره گیری از قرآن و روایات، یکی از عوامل تأثیر گذار در هویت‌یابی زنان به حساب می آید. اگر زنان بدانند که شخصیت آنان در بی حجابی و بی عفتی ظهور نمی کند، بلکه شخصیت آنها در عفت، دین داری و رعایت ارزش‌های اسلامی ظهور می کند، به هویت خویش بر

می‌گردند. البته بیان جایگاه زن در اسلام باید مبتنی بر منطق و استدلال صورت گیرد. برای بالارفتن از نردبان ایمان و رسیدن به پله ای که بتوان از آن، در آرمان شهر مهدوی به عنوان زن منتظرگام گذاشت.

اولین پله، ضرورت شناخت جایگاه و منزلت زن در اندیشه ی دینی است. بدون شناخت میزان اعتمادخداوند به زنان و توانمندی هایی که در آنان به ودیعه نهاده، پیمودن پله های نردبان ایمان در ذهن زن مسلمان، دشوار و ناممکن به نظر می رسد. در میان فرازهای تاریخ، دین مبین اسلام و رسول خاتم (ص) شرایطی را رقم زدند که در آن، جایگاه و منزلت واقعی زن و پرورش زنانی اسوه و الگو، صدچندان شد. مقایسه وضعیت زنان پیش ازاسلام، بهترین گواه بر این مطلب است. زن از دیدگاه اسلام دارای جایگاه والا و شخصیتی ارزشمند و همچنین وجودش زینت بخش آفرینش انسان است و افق روح او تجلی گاه رحمت. زن مظهر ظرافت و جمال آفرینش است. اصلاح جامعه در گرو تقوای زن و محیط خانواده، کلاس درس اوست. برهمین اساس زن مربی بشر است و می تواند با تربیت فرزندی صالح، امتی را رهایی بخشد. حال جایگاه والای این گوهر آفرینش اقتضا می کند که در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش های او حفظ شود. اسلام برخلاف پاره ای از عقاید مطرود که دنیا را فدای آخرت نموده و همه چیز را رها ساخته و تنها به عبادت و تهجد پرداخته اند، مشوق ترقی، تعالی و رشد معنویت در کنار تلاش بوده و همه پدیده های جهانی و مخلوقات عالم امکان را برای بهره جویی منطقی و عقلانی آدمیان دانسته است.^(۵) اوج شخصیت انسانی زن در نگاه اسلامی، آنگاه نمایان می شود که حضرت مهدی (عج) به عنوان منجی عالم بشریت، یک زن را مقتدای خویش قرار می دهند: «فی ابنة رسول الله لی اسوه حسنة: دختر پیامبر خدا، فاطمه زهرا (س)، برای من الگویی نیکوست.»^(۶) زن از نظر قرآن امانتدار حق خداست؛ یعنی این مقام، حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست، به زن داده و خواسته است که زن این حق را به امانت حفظ کند؛ آنگاه جامعه ی مسلمانان به صورتی در می آید که جهان در برابر آن خضوع می نماید.

۴- نقش زنان با حجاب و عفاف در ترویج فرهنگ اسلامی:

عفاف و پاکدامنی از آشکارترین نشانه های زندگی و سلامت جامعه ی اسلامی و حجاب اسلامی یکی از مهم ترین نمادهای تمایز آشکار میان جوامع اسلامی و غیر اسلامی به شمار می رود. در پرتو رعایت حجاب و التزام به عفاف است که شخصیت انسانی زن حفظ و زمینه های رشد و تکامل زن و مرد در ابعاد مختلف فراهم می شود. در پرتو حجاب، پیوندها و علائق خانوادگی استحکام و دوام می یابد، امنیت و آرامش روحی و روانی به وجود می آید و حضور سالم و کارآمد زنان که نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می دهند، در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... تضمین می شود. شاید به همین سبب باشد که «حجاب» از ضروریات دین اسلام به شمار می آید. بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان حوزه دین و اجتماع، یکی از ریشه های مهم مشکلات و نابسامانی های جوامع را، فقدان یا ضعف حیا و عفاف می دانند و در نگاه کلی، می توان اساسی ترین علل فساد و نابودی جوامع و انحراف از مسیر اصیل و ناب پیامبران الهی را، یکی فراموش کردن عبادت و عبودیت و دیگری پیروی از شهوات نام برد که هر دو با بی بند و باری جنسی و کنار گذاردن حیا و عفاف و نماد روشن آن؛ یعنی حجاب، ارتباط مستقیم دارد. قرآن کریم می فرماید:

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»

«آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساختند و از هوس‌ها پیروی کردند و به زودی سزای گمراهی خود را خواهند دید.» (مریم، ۵۹) فلسفه‌ی حجاب، حفظ ارزش والای زن است و از همین رو است که خداوند پوشش دینی را بر او واجب و نگاه به بدن و موی سر او را حرام فرموده است. حجاب و پوشش برای بانوان، به ویژه حجاب برتر یعنی چادر، توجه به حریم عفاف و حراست، آن از اصیل‌ترین سنگر زنان و از مهم‌ترین و عمیق‌ترین و سودمندترین قانون الزامی آفرینش برای آن‌ها و جامعه است. اگر این سنگر آسیب ببیند و یا مورد تهاجم فرهنگی دشمن قرار بگیرد، شرافت و سعادت زن فرو می‌ریزد و در سرایشی سقوط و انحراف قرار می‌گیرد و موجب آلودگی خود و جامعه خواهد شد.

۵- نقش زنان برای حفاظت از هویت و پرورش ارزش‌های اخلاقی فرزندان در جامعه:

نقش خانواده در تربیت دینی و ارزش‌های اخلاقی بر کسی پوشیده نیست، بی‌تردید یکی از ابعاد تربیتی و پرورشی فرزندان، تربیت اخلاقی و عاطفی آن‌ها است. اگر چه والدین هردو در این زمینه نقش مشترکی دارند، ولی نقش و تأثیر زن در تربیت اخلاقی و عاطفی فرزندان کارسازتر و کارآمدتر است. پرورش صحیح عقل و عاطفه که پایه‌ی اساسی سعادت انسان است باید از کودکی شروع شود. از جمله مواردی که می‌توانند به پرورش ارزش‌های اخلاقی کمک کنند عبارتند از:

۱- ایجاد باورها و اعتقادات اخلاقی در فرزندان

۲- آموزش بهترین راه زندگی از دوران کودکی

۳- تقویت حس خودباوری در فرزندان

۴- آشنا نمودن فرزندان با عادات پسندیده و ارزش‌های اخلاقی^(۷)

با توجه به آنکه فرهنگ، آداب، رسوم، سنت‌های دینی و اجتماعی در خانواده ابتدا از سوی مادران به فرزندان منتقل می‌شود، سپس در جامعه، آموزگاران و مربیان، این فرآیند را پررنگ‌تر و استوارتر می‌سازند؛ بنابراین نقش زنان در شکل‌گیری هویت، قابل توجه است. هویت ملی، فرهنگی و دینی جوانان امروز دچار بحران شده است و بی‌هویتی یا ضعف هویت یکی از آسیب‌های نوپدید اجتماعی قلمداد می‌شود که اساسی‌ترین علت آن اشتغال مادران در بیرون از خانه به علت مشکلات اقتصادی و مالی است.

۶- نقش زنان در تربیت دینی، فرزند داری و مدیریت خانواده:

زنان در مقام مادری نیز در زیر لوای عزت بخش اسلام قرار گرفته‌اند چنانکه دیدگاه اسلام در این مورد نیز بی‌ظنیر و جاودانه می‌باشد. به عبارت دیگر، از دیدگاه اسلام فرزند سبب آزمایش است، زیرا والدین باید در انتخاب همسر، پرداخت مهریه‌ی حلال به همسر، تغذیه‌ی سالم فرزند، محبت، نظارت بر تعلیم و تربیت، ازدواج، اشتغال و در گرایشهای گوناگون او کمال دقت را داشته باشند که عبور از تمام این مراحل آزمایشی سخت است. زنان جامعه‌ی

امروز باید با الگو قرار دادن زندگانی حضرت زهرا (س) کوشش کنند تا در نقش یک مادر به شکلی متعالی عمل کنند و همانگونه که آن حضرت در مقابل پیشنهاد کمک سلمان و زمانی که بین نگهداری از امام حسین (ع) و کار با دستاس مخیر گردید، مراقبت از فرزندش را برگزید. آنها با تمام وجود باور داشتند که تجسم عطف و رحمت در دیدگاه نورانی مادر، بارقه‌ی رحمت و عطف رب العالمین است، و لذا باید در دفاع از کرامت و هویت زن به نقش حیاتی او که همان رسالت مادریش است توجه خاصی مبذول شود و هیچگاه این نقش اصیل و انسان ساز قربانی نقشهای زودگذر اجتماعی نگردد.^(۸) امام باقر (ع) در حدیثی نیز می‌فرماید: «زن زیبا را برای شیردادن انتخاب کنید زیرا شیر اثر دارد و صفات زن شیرده را به طفل شیرخوار سرایت می‌دهد.» فرزندان در طول دوران زندگی خود هم نیازمند تعلیم اند و هم تربیت. تعلیم به بخش آموزشی اطلاق می‌گردد اما تربیت باید عینی باشد لذا یک مادر خوب و شایسته علاوه بر آموزش معارف الهی به فرزندش، باید کوشش نماید تا الگویی مناسب نیز برای او باشد به عبارت روشن تر تربیت مقدور کسی است که آنچه را از متعلم می‌خواهد خود دارا باشد. آنچه از دیدگاه روانشناسی و دینی هم مورد تایید و توجه قرار گرفته است بیانگر این نکته می‌باشد که اولین عاملی که در ایجاد و عادت مطالعه موثر است، خانواده می‌باشد. اگر پدر و مادری عادت به مطالعه داشته باشند کودک با دیدن این حالت به تدریج با کتاب آشنا شده و به تقلید از آنها می‌پردازد و با کتاب انس می‌گیرد.

۷- نقش زنان در احیا و تقویت باورهای دینی با رویکرد فرهنگ ناب اسلامی و الگو پذیری:

اگر زنی دارای باوری قوی باشد شالوده‌ی شخصیت او نیز بر اساس همین باور شکل می‌گیرد؛ چنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «المرء یأیمنه؛ شخصیت انسان در گرو باورهای اوست.»^(۹) آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «والمومن بعلمه؛ و ایمان انسان در عمل او جلوه گر است.»^(۱۰) بنابراین، باید با تقویت پایه‌های دینی و باورهای اعتقادی، وسیله‌ی اعمال صالح را در زنان فراهم آوریم و این مسئولیت پیش از همه بر عهده‌ی متولیان مذهبی و فرهنگی جامعه است. فراخوانی زن مسلمان به ارزش‌های اصیل دینی و فراهم نمودن تمهیدات لازم برای تقویت عملی و پرورش روح ایمان و تعهد وی، نقش مهمی در این زمینه دارد. آن چه در اسلام ارزش دارد شخصیت وجودی و عظمت روح بلند انسان است و تن و نمای فیزیکی انسان، منزلت والایی ندارد. انسان فطرتاً الگوگزين و اسوه پذیر است و دوست دارد ارزش‌های باورمند خود را در چهره‌های مجسم ببیند و همانند سازی کند. با وجود این، امروزه زن مسلمان، آن چنان که باید با شخصیت‌های بزرگ تاریخ اسلام آشنا شده است تا دریابد که آنان چگونه با حضور توأماً و قار و متانت در جامعه‌ی اسلامی، شرافت و منزلت انسانی خویش را حفظ نمودند. زن مسلمان با شناخت شیوه‌ی رفتاری حضرت زهرا (س) و الگو برداری از شخصیت و منش آنان، بازیچه‌های هوس ها قرار نمی‌گیرد و عامل فسادگستری نمی‌شود و به حیات طیبه و پاکیزه می‌رسد.

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ ۖ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷)

«از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و پاداششان را بر پایه ی بهترین عملی که همواره انجام می‌داده‌اند، می‌دهیم» خداوند در این آیه، پاداش و ثواب را برابر عمل صالح دانسته است؛ یعنی ملاک برتری، زن یا مرد بودن نیست، بلکه هر انسان مومنی که عمل صالحی انجام دهد، به او پاداش داده می‌شود و فرقی بین زن و مرد نیست. البته کسانی که دستورات و قوانین الهی را سرلوحه ی زندگی خود قرار می‌دهند در قرآن و احادیث از آنان، به نیکی یاد شده است. در این میان، پیروی از اسوه‌ها تأثیر بسزایی در رشد و تکامل آدمی دارد و چه اسوه ای بهتر از کسی که پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره ی اومی فرماید: «ان الله تعالی لیغضب فاطمه و یرضی لرضاها؛ خداوند با غضب فاطمه غضبناک می‌شود و با رضایت او راضی می‌شود». (۱۱) در جوامع امروز شاهد سست شدن بنیان‌های خانواده هستیم و باید با انجام فعالیت‌های فرهنگی و تقویت باورهای دینی به تحکیم بنیان خانواده کمک نماییم. زنان در خانواده نقش اصلی را ایفا می‌کنند و توجه به مسایل زنان؛ سلامت و امنیت خانواده و اجتماع را در پی خواهد داشت.

نتیجه گیری

در مکتب قرآن، ابتداء برای انسانیت تزکیه لازم است، سپس افشاندن بذر آموزش از راه تعلیم. در مقام تعیین این دو عامل ارزشمند، قرآن ابتداء تربیت را توصیه می‌نماید تا تزکیه بر آن مقدم گردد. تربیت نفس از خاستگاه ایجاد و آفرینش انسان شکل می‌گیرد و جایگاه تولدش، باید مهبای پاکی و عفاف گردد و در این میان، رسالت هدایت و رهبری انسان، بعد از خالق یکتا، به عهده ی انسان به عنوان خلیفه الله و تعیین پیامبران و امامان به عنوان راهنمایان و هادیان طریق حق و حقیقت برای هدایت و سعادت بشر و رسیدن به رستگاری و فلاح می‌باشد که انجام این امر مهم به صورت امانت الهی به انسان سپرده شده است تا به حول و قوه الهی، وی را در انجام رسالت خطیر الهی و آسمانی اش، صاحب توان و قدرت نماید و او را در نیل به اهدافش موفق گرداند اما این توانمندی می‌تواند در مسیر هدایت یا ضلالت باشد و زن بیشترین نقش را در استقرار و انتخاب هر یک از این دو مسیر یعنی هدایت و ضلالت، رادر تکامل شخصیت انسان دارد. همراهی تعلیم و تربیت با تزکیه نفس، سازنده انسانی است والا، یعنی همان انسان صاحب علم و تقوا. دامن مادر، اولین کلاس درس و بهترین محل تربیت کودک است، خانواده، نخستین جایگاه آموزش و پرورش کودک است. ظهور و بروز استعداد های زیستی، فکری، عاطفی، روانی، اجتماعی، دینی و ملی کودک تحت شعاع این کانون قرار دارد و از گرمی وجود مادر نشأت می‌گیرد و ترقی و تکامل می‌یابد، به نحوی که آثار و برکات آن تا پایان حیات، در جهان مادی و تداومش در نشئه ی روح و روان باقی خواهد ماند.

زن پایه گذار وجود و حیات آدمی است، در پی ریزی اساس و ساختار شخصیت انسان، زن معماری نقش آفرین و هنرمندی چیره دست است که با رفتار شگرف و شگفت خود آینده ی فرزند را رقم می‌زند و اینگونه است که به فرمایش امام خمینی (ره)، به معراج رفتن مرد، از دامن زن، میسر و ممکن می‌گردد.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن مجید، ترجمه ی محی الدین مهدی الهی قمشه ای، ۱۳۷۶، چاپ هفتم، انتشارات سبحان
- ۲- آقایی، سهیلا، ۱۳۷۵، فرهنگ مادرپروری، ماهنامه ی پیوند، ش ۲۰۵، ص ۴
- ۳- امینی، ابراهیم، ۱۳۷۶، بانوی نمونه اسلام، چاپ اول، قم، شفق، ۱۳۷۶، صص ۲۱- ۲۳
- ۴- آینه تبلیغ، مجموعه مقالات بانوان (۲)، کمیته علمی همایش اخلاق و معنویت، معارف اسلامی، ۱۳۸۷، چاپ اول، قم، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ص ۳۰۴
- ۵- قاضی، فاطمه، ۱۳۸۸، حجاب دختران، چاپ یازدهم، قم، انتشارات گلستان ادب، ص ۱۲
- ۶- معین الاسلام، مریم و غلامی، علی، ۱۳۹۰، رسالت زن منتظر و منتظرپروری، چاپ سی ام، قم، موسسه علمی و فرهنگی زمان منتظر، ص ۲۳
- ۷- قنبری، علی، ۱۳۸۹، نقش خانواده در پرورش ارزش های اخلاقی دانش آموزان، ماهنامه ی پیوند، ش ۳۷۶، صص ۱۶- ۱۵
- ۸- امینی، ابراهیم، ۱۳۶۷، آیین همسرداری، چاپ دوم، تهران، موسسه ی تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، ص ۱۹۳
- ۹- اسحاقی، سید حسین، ۱۳۸۹، گوهر عفاف، چاپ سوم، قم، موسسه ی بوستان کتاب، ص ۱۰۲
- ۱۰- همان، ص ۱۰۲
- ۱۱- همان، ص ۱۰۵
- ۱۲- امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹، صحیفه ی نور، ج ۶، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۵۷
- ۱۳- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، ج ۳، چاپ چهارم، تهران، نشر یاسر، ص ۷۱۲
- ۱۴- دشتی، محمد، ۱۳۷۸، ترجمه ی نهج البلاغه، چاپ پنجاهم، قم، انتشارات امیرالمومنین (ع)، نامه ۳۱
- ۱۵- فیض کاشانی، محسن، ۱۳۸۳، المحجبه البيضاء، ج ۳، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۴۳۵
- ۱۶- حسینی، هادی، راسخ، احمد و نجات، حمید، ۱۳۸۳، کتاب زن، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ص ۴۲۷
- ۱۷- امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹، صحیفه ی نور، ج ۱۵، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۲۱